



«عمار ایزدیار» از موافقت مدیریت شهری کرج خبر داد؛

مساعدت ۱۲۵ میلیاردی

برای تکمیل باغ موزه دفاع مقدس

«رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز» اعلام کرد؛

# پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصدی بیمارستان کمالشهر



«قالیباف»:

## همه باید در تعیین اولویت‌ها با فهم مشترک عمل کنیم

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: همه باید در تعیین اولویت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با فهم مشترک عمل کنیم، ساختار مجلس به گونه‌ای است که اگر عموم نمایندگان در یک موضوعی عزم نکنند مجلس نمی‌تواند کار موثر انجام دهد و گاهی حتی یک نماینده می‌تواند به مسیری که عموم نمایندگان پیگیری می‌کنند لطمه بزند.

محمد باقر قالیباف در جلسه علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس مجلس در جایگاه حضور یافت و با گرامیداشت شهدای اهل خدمت گفت: ابتدا وظیفه خود می‌دانم بار دیگر شهادت سید شهیدان اهل خدمت آیت الله دکتر رئیسی و همراهان ایشان را به رهبر معظم انقلاب و مردم داغدار ایران تسلیت گویم و از خداوند متعال علو درجات و همنشینی با ولی نعمتان علی ابن موسی الرضا(ع) را مسئلت کنم.

رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در ابتدا ضروریست که از شما نمایندگان به صورت ویژه تشکر کنم که به من اعتماد کردید و بنده را به عنوان خادم خودتان انتخاب کردید و برخی امور را به اینجانب تفویض کردید تا مطابق قانون اساسی و قانون آیین نامه داخلی مجلس وظایفی را با استفاده از اختیاراتی که تعریف شده پیگیری کنم.

قالیباف افزود: من خود را نماینده شما می‌دانم و با همه ظرفیت و توانی که دارم تلاش خواهم کرد تا ذیل رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب و با کمک شما مجلس دوازدهم در پیگیری منافع و مصالح مردم کارنامه درخشان داشته باشم.

وی بیان کرد: کار در مجلس جمعی است همه باید در تعیین اولویت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با فهم مشترک عمل کنیم، ساختار مجلس به گونه‌ایست که اگر عموم نمایندگان در یک موضوعی عزم نکنند مجلس نمی‌تواند کار موثر انجام دهد و گاهی حتی یک نماینده می‌تواند به مسیری که عموم نمایندگان پیگیری می‌کنند لطمه بزند. رئیس مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: واقعیت این است که مردم از ما مستولان چه ما نمایندگان و چه دیگر مدیران اجرایی توقع دارند به جای حاشیه پردازی فقط به فکر مسائل آن‌ها باشیم.

قالیباف با بیان اینکه حضرت آقا خط اصلی مسائل مجلس را در پیام خود روشن کرده است، گفت: مجلس دوازدهم رویکرد اصلیش را باید همین رهنمودها قرار دهد رهبر حکیم انقلاب آرام بخشی، امید آفرینی و دعوت به همدلی در محیط عمومی و پرهیز از مسابقات بی‌فایده رسانه‌ای و مجادلات مضر سیاسی در داخل مجلس را مبنای عمل مجلس دوازدهم تعیین کردند لذا به نظر می‌رسد رویکرد اصلی مجلس دوازدهم باید وحدت و امید باشد. وی اضافه کرد: ما باید برای ایجاد امید در مردم به فهم مشترک برسیم و همگرا و همدل عمل کنیم و با هر گرایش و سلیقه سیاسی که داریم بر روی اولویت حل مسائل مردم اتفاق نظر داشته باشیم، اختلاف سلیقه‌ها در روش حل مسائل هم طبیعی است و هم باعث دقیق‌تر شدن بحث‌ها می‌شود، اما باید مراقب باشیم که هر حاشیه پردازی و مسابقات رسانه‌ای و مجادلات سیاسی خلاف آرام بخشی و امید آفرینی و خلاف رهنمودهای صریح رهبر انقلاب است.

رئیس مجلس تصریح کرد: مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند هم محور وحدت باشد و هم باعث امید آفرینی شود برنامه هفتم پیشرفت کشور است که میثاق ملی ما در مجلس و دولت شهید رئیسی است که به عنوان میراث این شهید بزرگوار محسوب می‌شود و می‌تواند پیشرفت کشور را رقم بزند. قالیباف اظهار داشت: اگر ما در مجلس یا دولت روی اجرای برنامه هفتم بایستیم می‌توانیم در کوتاه مدت مشکلات روز مردم را مدیریت کنیم و در بلند مدت پیشرفت کشور را رقم بزنیم، امیدوارم همه ما نمایندگان تا پایان دوره نمایندگی بتوانیم مطابق توصیه رهبر انقلاب با رعایت تقوا، گذشت، انصاف، مسئولیت‌پذیری و کار بی‌منت تکلیف خودمان را در قبال مردم و انقلاب انجام دهیم.



یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید نوروز خرمن بیز» که ۲۰ فروردین ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد

## رویداد

بین‌الملل

روایت‌گردین از جنایت جدید رژیم صهیونیستی؛

# «حمله به رفح جهان را شوکه کرد»



روزنامه‌گردین نوشت: شهادت ۴۵ فلسطینی که بسیاری از آن‌ها زن و کودک بودند در حمله جدید رژیم صهیونیستی به یک اردوگاه در رفح، محکومیت بین‌المللی را برانگیخت و جهان را در شوک فرو برد.

به گزارش «دنیای هوادار»، این روزنامه انگلیسی نوشت: حمله هوایی (رژیم) اسرائیل که باعث آتش سوزی در چادرهای آوارگان فلسطینی در رفح شد، بر اساس آنچه که پزشکان اعلام کرده اند باعث شهادت ۴۵ نفر شده است.

این درحالی است که تصاویری از کودکانی که سوخته و اعضای بدنشان تکه تکه شده است محکومیت رهبران جهان را برانگیخت و مذاکرات آتش بس را به خطر انداخت.

وزارت بهداشت غزه اعلام کرده که حدود نیمی از افرادی که به شهادت رسیده اند، زن، کودک و افراد مسن بودند. همزمان با ادامه جستجو برای یافتن افراد قربانی و آمادگی خانواده‌های عزادار برای تدفین عزیزان خود، کودکان روز دوشنبه پاره‌پاره در اطراف خرابی‌هایی که هنوز دود از آن‌ها بلند می‌شد، سرگردان بودند.

گردین نوشت: این حمله که یکی از مرگبارترین حوادث منحصر به فرد در جنگ هشت ماهه در غزه بود، تنها دو روز بعد از دستور دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه به رژیم اسرائیل برای توقف فوری عملیات خود در رفح اتفاق افتاد.

بیش از ۸۵ درصد از جمعیت فلسطین که در منطقه مورد حمله پناه گرفته بودند از جنگ به سایر مناطق فلسطین فرار کرده بودند و از زمان آغاز عملیات زمینی رژیم اسرائیل در ۶ مه (۱۷ اردیبهشت) یک میلیون نفر دیگر بار دیگر تحت آوارگی اجباری قرار گرفته اند. نیروهای زمینی رژیم اسرائیل تاکنون حومه جنوب و شرق رفح را به جای مراکز پرزدحام آن در مرکز هدف عملیات خود قرار داده اند.

گردین افزود: محکومیت جنگ غزه در سطح بین‌المللی همزمان با افزایش شمار تلفات و بحران انسانی در غزه افزایش یافته، اما مقامات اسرائیلی بارها مدعی شدند که حمله زمینی به رفح که به ادعای آن‌ها رهبری حماس و چهار گردان از جنگجویان حماس در آن مستقر هستند، برای دستیابی به «پیروزی کامل» ضروری است.

این رسانه با اشاره به فشار بسیاری از کشورها بر رژیم صهیونیستی برای پیروی از دستور دیوان بین‌المللی

دادگستری نوشت: قطر، به عنوان میانجی کلیدی بین (رژیم) اسرائیل و حماس در تلاش برای تضمین آتش‌بس و آزادی اسرای صهیونیستی، هشدار داد که تلفات رفح، مذاکرات طولانی را پیچیده تر می‌کند.

گردین با استناد بر گزارش روزنامه صهیونیستی هآرتص در اواخر روز دوشنبه نوشت که حماس قصد دارد از آخرین مذاکرات پیشنهادی در مورد آنچه که رهبران ارشد این گروه به عنوان «قتل عام» توصیف کرده اند، خارج شود. مصر و اردن نیز حملات رفح را محکوم کردند. روابط مصر و (رژیم) اسرائیل که در بهترین حالت سرد بود از زمان عملیات رفح به پایین ترین سطح خود رسیده است. روز دوشنبه وخامت روابط دو طرف زمانی رخ داد که ارتش اسرائیل تایید کرد تبادل آتش بین سربازان صهیونیستی و مصری در گذرگاه رفح رخ داده و دستکم یک عضو نیروهای امنیتی مصر کشته شده است.

حمله به رفح، خشم فرانسه به عنوان متحد اروپایی رژیم اسرائیل را برانگیخت و امانوئل مکررون رئیس جمهوری فرانسه در پیامی در شبکه ایکس خواستار توقف فوری این عملیات شد.

هزاران معترض فرانسوی روز دوشنبه در اعتراض به عملیات نظامی اسرائیل در غزه تجمع کردند.

جوئز بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت از اخبار جدید در حمله رژیم اسرائیل به رفح که

باعث شهادت ده‌ها آواره فلسطینی از جمله کودکان شد، وحشت کرده است و این حملات را با شدیدترین لحن محکوم می‌کند.

گیدو کروسستو (Guido Crosetto) وزیر دفاع ایتالیا گفت که بمباران‌هایی نظیر آنچه که یکشنبه شب رخ داد تبعات طولانی برای (رژیم) اسرائیل خواهد داشت. وی در گفت و گو با شبکه خبری «اسکای تی جی ۲۴» افزود: (رژیم) اسرائیل با این انتخاب بذر نفرت را می‌پاشد؛ نفرتی ریشه دار که فرزندان و نوه‌های خود آن‌ها را گرفتار خواهد کرد.

موسی فکی محمد، رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقا، گفت: اسرائیل همچنان با بی‌اعتنایی به دستور دادگاه بین‌المللی دادگستری که خواستار پایان عملیات نظامی در رفح است، به نقض قوانین بین‌المللی بدون مجازات ادامه می‌دهد.

ملانی جونو وزیر خارجه کانادا گفت از این حملات وحشت زده شده است و کانادا از عملیات نظامی رژیم اسرائیل در رفح حمایت نمی‌کند.

وی افزود: این سطح از رنج انسانی باید متوقف شود ما خواستار آتش بس فوری هستیم.

گردین در پایان نوشت، جایگاه رژیم صهیونیستی در سطح جهانی به پایین‌ترین سطح رسیده است و تنش‌ها در روز دوشنبه در مرز شمالی سرزمین‌های اشغالی تشدید شده است.

## «نبیه بری» تأکید کرد:

# آرامش، در گرو توقف جنگ علیه غزه

فرستاده آمریکا در خاورمیانه گفت: ما همچنان اجماع نظر قاطع داریم که حرکت برای رسیدن به تفاهم در مورد آتش بس (در مرز لبنان و فلسطین اشغالی) با آتش بس در نوار غزه گره خورده است و پس از تحقق آن، روند سیاسی برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت آغاز خواهد شد. رئیس مجلس لبنان افزود: آمریکایی‌ها می‌دانند که بدون تحقق این آتش بس در نوار غزه، وضعیت به همین شکل باقی خواهد ماند. نبیه بری فاش کرد: آمریکایی‌ها در یک تماس تلفنی نظر من را در خصوص احتمال سفر هوکشتاین به بیروت جویا شده اند و پاسخ روشن من این بوده است که «همه چیز به توقف جنگ علیه نوار غزه گره خورده است و به محض اینکه عملیات نظامی علیه نوار غزه متوقف شود، هوکشتاین می‌تواند بیاید و درباره راه حل (درخصوص مسائل مرزی بین لبنان و فلسطین اشغالی) مذاکره کند.

خسته است و قادر به پایان دادن به جنگ علیه نوار غزه نیست، بنابراین آمادگی و یا توان راه اندازی جنگ علیه لبنان را نخواهد داشت. وی اظهار داشت: اسرائیلی‌ها می‌دانند که اگر بخواهند تجربیات گذشته را تکرار کنند، شکست بزرگی را متحمل خواهند شد زیرا در صورتی که به فکر ورود به لبنان باشند، حزب الله و جنبش امل برای مقابله نظامی با آن‌ها وارد عمل خواهند شد.

نبیه بری گفت: رژیم اسرائیل می‌خواهد در وضعیت موجود باقی بماند، زیرا خود را در فناوری، جنگ هوایی و جنگنده‌هایی که در اختیار دارد، برتر می‌داند و با این وضعیت، به فکر انجام عملیات زمینی علیه لبنان نخواهد بود. بری در عین حال تأکید کرد: اما به رغم برتری و فناوری نظامی و هوایی رژیم اسرائیل، حزب الله توانسته است که ضربات بسیار مهلکی را به صهیونیست‌ها وارد کند. وی در پاسخ به سؤالی درباره تحركات «آموس هوکشتاین»

رئیس مجلس نمایندگان لبنان گفت: ارتش رژیم اسرائیل خسته است و آماده یا قادر به راه انداختن جنگ فواگیر علیه لبنان نیست.

به گزارش «دنیای هوادار»، «نبیه بری» رئیس مجلس نمایندگان لبنان در گفت و گو با روزنامه الجریده کویت تأکید کرد: ارتش رژیم اسرائیل خسته است و قادر به پایان دادن به جنگ علیه نوار غزه نیست بنابراین آمادگی یا توانایی را برای به راه انداختن جنگ (فواگیر) علیه لبنان را نخواهد داشت. وی افزود: درگیری‌ها به تدریج در جنوب لبنان تشدید می‌شود و باید آتش‌بس همه جانبه در نوار غزه برقرار شود زیرا بدون آن، این درگیری ادامه خواهد یافت و اوضاع به سمت خطرناک‌ترین حالت پیش خواهد رفت. رئیس مجلس نمایندگان اشاره کرد که از احتمال آغاز جنگ گسترده یا حمله زمینی به لبنان توسط رژیم اسرائیل نگران نیست زیرا معتقد است که ارتش این رژیم

«سیدحسن فراهانی» رئیس اداره پارک‌های ملی خجیر و سرخه حصار- از نجات و رها سازی یک راس قوچ وحشی در پارک ملی سرخه حصار خبر داد و گفت: طی تماس تلفنی از سوی مسئولان پادگان نظامی مبنی بر حمله و زدن سگ های پلا صید به حیات وحش، ماموران اجرایی این اداره سریعاً در محل حضور پیدا کرده و پس از بررسی موضوع، قوچ آسیب دیده را زنده گیری کرده و برای درمان اولیه و نگهداری به یگان حفاظت محیط زیست استان تهران انتقال دادند.

«سلاجقه» تأکید کرد؛

# لزوم حضور بی «خط قرمز» پژوهشگران برای حل معضلات محیط زیست

در عصر حاضر و حتی در آینده بحث آفت ها خواهد بود و ما باید برای مقابله با این مسئله برنامه ریزی داشته باشیم.

وی تصریح کرد: مطابق مطالعات بین المللی کشورهای جنوب آسیا از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ نزدیک به ۴۳۲ میلیارد دلار از حمله آفت ها زبان اقتصادی دیده اند این در حالیست که این رقم در کشورهای آمریکای جنوبی ۲۰۴ میلیارد دلار است و در کشورهای آمریکای شمالی به رقم باور نکردنی ۶.۱ تریلیون دلار می رسد و ما حتماً باید برای این مسائل و نحوه مقابله با آن‌ها در کشور برنامه داشته باشیم.

وی اظهار داشت: پیشنهاد می کنم که سازمان حفاظت محیط زیست حتماً در قرنطینه های کشور نماینده داشته باشد و ما برای اینکه ابعاد این موضوع را برای مردم تبیین کنیم نیازمند یک گروه مستند نگاری در درون سازمان محیط زیست هستیم تا از این مسئله جدی در سطح کشور چندین مستند تهیه کرده و آن‌ها را به نمایش عمومی درآورد.

در این جلسه مهرا حبیبی رضایی، رئیس اتحادیه علوم زیستی ایران نیز بر اهمیت تشکیل اتحادیه انجمن های علمی در کشور اشاره کرد و افزود: اتحادیه ها برای این تشکیل شدند کارهایی که انجمن ها نمی توانند انجام دهند را عملیاتی کنند.

وی یادآور شد: انتظار حمایت ویژه از اتحادیه ها داریم و در این راستا آموزش نیروی انسانی و حمایت از فرآیند آموزش برای ما بسیار ارزشمند است.

وی پارک های ملی را بستری برای فعالیت های علمی و پژوهشی دانشجویان و اساتید دانست و همکاری سازمان حفاظت محیط زیست برای استفاده بدون مانع از این مناطق برای توسعه فعالیت های علمی را بسیار مهم برشمرد. همچنین در این جلسه عبدالرضا کرباسچی، رئیس انجمن مهندسی و مدیریت پسماند ایران با اشاره به اینکه انجمن های علمی می توانند یاریگر سازمان حفاظت محیط زیست در انجام وظایف خود باشند، گفت: انجمن های علمی می توانند در حسن اجرای قوانین مدیریت پسماند به این سازمان کمک کنند.



معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

کیما عبدالله پور

با تأکید بر اینکه انجمن های علمی برای معضلات محیط زیستی کشور راه حل ارائه دهند، گفت: تمام مجموعه سازمان محیط زیست و عرصه های تحت مدیریت این سازمان هیچ گونه خط قرمزی برای حضور دانشجو و پژوهشگر ندارد.

به گزارش «دنیای هوادار»، علی سلاجقه در جلسه همفکری با روسای انجمن ها و اتحادیه های علمی دانشگاهی، با تسلیت به مناسبت شهادت شهید جمهور، حضرت آیت الله رئیسی و هیات همراه در سانحه سقوط بالگرد، اذعان داشت: خدا را شاکرم در روزهایی که غم سنگینی بر دل همه ما وجود دارد فرصتی پیش آمد تا در خدمت اساتید و صاحب نظران باشیم، آنچه اتفاق افتاد بسیار جانکاه بود اما مردم در یک همه پرسی بزرگ ایشان را برای همیشه به عنوان یک رئیس جمهور شهید انتخاب کردند و این اتفاق در تاریخ کشور به ثبت رسید. وی با اشاره به اینکه محیط زیست بدون دانش و فناوری معنا و مفهومی ندارد، افزود: محیط زیست دنیا در مرز دانش و فناوری حرکت می کند به همین دلیل ما با اعتقاد به ظرفیت علمی در راستای حل مشکلات گام برمی داریم و از انجمن های علمی می خواهیم که برای مشکلات محیط زیستی کشور راه حل ارائه دهند.

سلاجقه ادامه داد: در خصوص تغییر اقلیم طبق برنامه هفتم ۱۵ درصد این برنامه به صورت مستقیم به سازمان حفاظت محیط زیست مربوط است و در این بحث از ظرفیت انجمن ها استفاده کردیم که بسیاری از کمیته ها و کارگروه ها در این حوزه مشارکت کردند.

معاون رئیس جمهور اضافه کرد: با ایجاد هاب تغییر اقلیم کشور و ارتقا مجموعه پژوهشکده و همچنین راه اندازی پارک علم و فناوری نیاز به توانمندی ها و ظرفیت های انجمن های علمی داریم تا بتوانیم برای مسائل و مشکلات این حوزه راه حل های علمی داشته باشیم، همچنین ما از لحاظ بانک ژن، ذخایر ژنتیکی بسیار قوی داخل کشور داریم.

سلاجقه درباره فراخوان عناوین پایان نامه و رساله دکتری و لزوم مشارکت دانشجویان، گفت: سازمان با

کرد: استانداردهای محیط زیستی به ویژه در حوزه های بین رشته ای باید دقیق تر انجام گیرد و در این زمینه انجمن های علمی می توانند در به روز رسانی و حتی تهیه این استانداردها به سازمان حفاظت محیط زیست کمک کنند.

در ادامه محمد حسن نامی، رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران نیز در این جلسه با اشاره به لزوم مشخص شدن اولویت های پژوهشی در سازمان حفاظت محیط زیست، ادامه داد: تعیین اولویت های پژوهشی می تواند به انجمن های علمی در ارائه خدمات پژوهشی مناسب به سازمان حفاظت محیط زیست یاری رسانند.

همچنین علی اصغر طالبی کدهدوئی، رئیس انجمن حشره شناسی ایران در ادامه با اشاره به نقش حشرات و بندپایان در زندگی ما انسان ها و تداوم حیات بر روی کره زمین، گفت: یکی از جدی ترین مسائل ما در کشور

داشتن حدود ۲۷۰ لایه اطلاعاتی و سازماندهی فرآیندها یکی از قوی ترین سامانه ها را در بین دستگاه های اجرایی کشور دارد که باید در اختیار تمام مجموعه های علمی کشور قرار گیرد و ما در این زمینه هیچ گونه محدودیتی اعمال نمی کنیم.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: در خصوص ظرفیت های مشارکت بین الملل پس از وزارت امور خارجه با عضویت در بیش از ۵۴ کنوانسیون و بحث های الحاقی و پروتکل ها بیشترین مناسبات بین المللی را در بین دستگاه های کشور داریم و این ظرفیت کاملاً در اختیار انجمن های علمی کشور است.

همچنین در این جلسه امین پاداش، رئیس انجمن مدیریت و مهندسی بهداشت ایمنی و محیط زیست ایران با تأکید بر اینکه برای فعالیت در حوزه های علمی باید به استانداردهای علمی توجه داشته باشیم، تصریح

## با اجرای برنامه «حمایت تغذیه ای کودکان»؛

# سوء تغذیه حاد چند درصد کاهش یافت؟



بهبودی ۴۲ درصد کودکان کم وزن شده است که در انتهای برنامه نمودار وزن برای سن آنان در محدوده طبیعی قرار گرفته است.

حمایت تغذیه ای منجر به بهبودی ۵۷ درصد موارد ابتلاء به کوتاه قدی شدید (بهبودی کامل ۲۶ درصد و روند رو به بهبودی ۳۱ درصد) و حدود ۵۷ درصد موارد ابتلاء به کوتاه قدی (بهبودی کامل ۳۲.۵ درصد و روند رو به بهبودی ۲۴.۴ درصد) شده است.

اسماعیل زاده تصریح کرد: نقش افزایش دسترسی به مواد غذایی مورد نیاز کودک در ارتقای رشد قدی کودکان که به عنوان نامگر توسعه کشورها استفاده می شود، ضرورت اجرای مداخلات تغذیه ای برای کودکان مبتلا به کوتاه قدی را هم تأیید می کند.

اسماعیل زاده افزود: این برنامه توانسته است سوء تغذیه حاد (لاغری شدید) را در ۴۰ درصد موارد بطور کل بهبود بخشیده و در ۳۰ درصد این موارد نیز موجب ارتقای شاخص شده بطوری که از طبقه بندی لاغری شدید، کودکان در وضعیت لاغری قرار گرفتند.

وی با بیان اینکه یکی از دلایل اصلی شیوع لاغری، دسترسی ناکافی غذا است که اجرای این برنامه توانسته است از طریق تامین نیازهای تغذیه ای کودکان، موارد لاغری را کاهش قابل توجهی دهد و بهبودی در این کودکان مشاهده شود، ادامه داد:

حمایت تغذیه ای موجب بهبودی کامل در یک سوم کودکان مبتلاء به کم وزنی شدید شده و همچنین وضعیت کم وزنی شدید یک سوم از کودکان ارتقاء یافته و در طبقه بندی کم وزنی قرار گرفتند.

این مقام مسوول در وزارت بهداشت ادامه داد: به عبارت دیگر افزایش دسترسی به اقلام غذایی مورد نیاز کودک در بهبودی بیش از ۶۰ درصد کودکان مبتلاء به کم وزنی شدید تأثیر گذار بوده است. علاوه بر این افزایش دسترسی به مواد غذایی موجب

پزشکی، تعداد ۱۳۳ هزار ۶۹۰ کودک بر اساس نتایج آزمون وسیع واجد شرایط بوده و تحت پوشش برنامه قرار گرفتند، آموزش و مشاوره تغذیه و پایش کودکان توسط بهداشت انجام می شود.

اسماعیل زاده ادامه داد: حدود ۵۰ درصد کودکان از طریق کارشناسان تغذیه خدمات مشاوره تغذیه دریافت کردند. نتایج اثر بخشی برنامه به ترتیب بیانگر بهبودی ۷۰، ۶۶ و ۵۷ درصد کودکان مبتلاء به لاغری شدید، کم وزنی شدید و کوتاه قدی شدید بوده است.

به گفته وی، در طول این برنامه ۱۸ هزار و ۶۱۱ مادر دارای کودک ۶ تا ۱۲ ماهه (۸۳.۶ درصد) و ۹۹ هزار و ۹۹۲ مادر دارای کودک ۱۲ تا ۵۹ ماهه (۸۵.۹ درصد) توسط کارکنان بهداشت در زمینه تغذیه کودک آموزش دیده اند. علیرغم چالش های موجود در شروع برنامه، اثر بخشی برنامه بیانگر تأثیر بسیار مثبت، قابل توجه و معنادار حمایت های تغذیه ای بر ارتقای کلیه شاخص های تن سنجی کودکان (وزن برای قد، وزن برای سن و قد برای سن) بوده است.

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه

رقیه نوری

جامعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از موفقیت چشمگیر برنامه حمایت تغذیه ای کودکان زیر ۵ سال خبر داد و گفت: این برنامه توانسته سوء تغذیه حاد (لاغری شدید) را در ۴۰ درصد موارد بطور کل بهبود بخشد.

به گزارش «دنیای هوادار»، احمد اسماعیل زاده با اعلام این مسئله افزود: برنامه حمایت تغذیه ای کودکان زیر پنج سال با هدف ارتقای وضع تغذیه کودکان مبتنی بر آزمون وسیع با همکاری سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مهر ماه سال ۱۴۰۲ شروع شد، در این

برنامه برای ۵ دهک اول ماهانه یک میلیون تومان و دهک های ۶ و هفت ماهانه ششصد هزار تومان اقلام غذایی مورد نیاز کودک از طریق کالا برگ توزیع می شود و بودجه ماهانه ۱۲۲ میلیارد تومان بوده است.

وی اظهار داشت: از تعداد ۱۷۹ هزار و ۵۱۹ کودک معرفی شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش



با پایان یافتن سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران سامانه بازار کتاب با شرایط متفاوت از قبل، فعالیت خود را از سر گرفت. در شرایط جدید هر کدملی می‌تواند تا سقف ۱۰ میلیون ریال با یارانه ۲۵ درصد از کتابفروشی‌های حاضر در سامانه اقدام به خرید کند. همچنین این امکان فراهم است که والدین برای افراد زیر ۱۸ سال خانواده از طریق صفحه کاربری خودشان و با اضافه کردن فرزندان، به همان میزان ۲۵ هزار تومان یارانه برای آن‌ها اضافه و اقدام به خرید کتاب کنند.

دو نگاه به فیلم «دست خدا» ساخته سورنتینو از منظر مؤلفه‌های «فیلم شخصی»؛

## دکتر سورنتینو یا: چگونه یاد گرفتم دست از هراس بردارم و به جمع کردن آشغال‌های فلینی عشق بورزم

اثرش عدم داشتن دانش و تسلط کافی نسبت به مفهوم «کارناوالیسم» است. کارناوال‌گرایی در بطن خود باید در اوج موقعیت‌های تراژیک به تولید نظام‌های امید بپردازد، آن هم به شکل هنری و دراماتیک و برآمده از منطق‌های سببی نه به شکل اجباری و تحمیلی و بدون هیچ قید و شرطی به سبک «دست خدا». از طرفی، در نظام کارناوالیسم اندیشه پلی‌فونیک (چندصدایی) حاکم است که این مسئله ظهور تیپ‌های مختلف و پردازش‌شده را طلب می‌کند. فقدان این تیپ‌ها دقیقاً همان نقطه اصلی ضعف این فیلم نسبت به آثار پیشین سازنده‌اش است. آنچه پیش از این فرم دوار قصه‌های سورنتینو را قوام می‌بخشید همین تعین تیپ در آن آثار بود. تیپ‌هایی که هرکدام در نوع خود و در جهان فیلمی سورنتینو منحصر بفرد بودند و لحن مخصوص به خودشان را داشتند. آدم‌ها در «دست خدا» نماینده هیچ‌جایی نیستند و مشخصاً کاریکاتورند؛ در نتیجه، مفهومی را نمی‌رسانند. در این مورد تنها کافی است پیرمرد مثلاً بامزه این فیلم را که با دستگاه صحبت می‌کند و عملاً بی‌کارکرد است را با مرد فیلم «من خانه بودم، اما» ساخته آنگلا شانلیلیک که از مشکل مشابهی رنج می‌برد و به نوبه خود، بخشی از جهان اثر را می‌سازد، مقایسه کنید. فیلم‌ساز به جای تمییزاسیون به نمادپردازی تمسک می‌ورزد. نمادهایی که از اثر بیرون می‌زنند و آن را از ریخت می‌اندازند. به علاوه اینکه به هیچ‌عنوان نمی‌توانند پیوند محکمی با شخصیت اصلی برقرار کنند و از او یک شخصیت قابل باور با دل‌مشغولی‌های حقیقی بسازند. در واپسین فیلم سورنتینو، از آن تک‌گویی‌های آتشی که در «ایل دیوو» و «زیبایی بزرگ» شادش بودیم خبری نیست. صرفاً هذیان‌هایی می‌شنویم که فاقد اهمیت‌اند. در «جوانی» این تیپ‌سازی و اندیشه‌ی چندآوایی به اوج می‌رسد و اتفاقاً آن مارادونای نمادین «جوانی» که حتی در فیلم اسمی هم بطور مشخص از آن برده نمی‌شود، آشناتر و قابل باورتر است نسبت به این مارادونای در ظاهر واقعی‌تر اما در باطن بزک‌شده «دست خدا». فیلم حتی از سطح یک رابطه عاطفی هم نمی‌تواند نوعی کنش اجتماعی-سیاسی ایجاد کند، اما چون سعیش را دارد بزک دیگری چون اشتیاق به فیلم‌سازی را در نوجوان خودش □ بوجود می‌آورد گویی دیگر فلسفه که شخصیت در ابتدا ظاهراً شیفته آن است به پایان خود رسیده و حالا باید فلسفه را با دوربین نگاهت! که این خود موجب یک عزیمت شبانه تکراری دیگر با یک فیلم‌ساز ظاهراً مشهور اهل ناپل و در نهایت، شنای در آب می‌شود. همه چیز مدام در حال تکرار است بدون آنکه ذره‌ای پیش‌روی داشته باشد. «دست خدا» چون سیکل معیوبی دائماً در حال استهلاک خود است و در پایان هم پیش از پایان به جان‌دادن می‌افتد و از تپش می‌ایستد. آن آب و شنا هم نه شخصیت‌های فیلم را تطهیر می‌کند و نه خود فیلم‌ساز را که البته شخص سورنتینو با توجه به چنین گناه کبیره‌ای که در قابل مدیوم سینما مرتکب شده قطعاً نیاز به توبه و تطهیر دارد. در نهایت، آنچه که فیلم نتیجتاً هست صد و سی دقیقه طولانی و ملال‌آور از احساسات رقیق، چند نمای کارت‌پستالی از مناظر ناپل و البته یک خرس عروسکی یا شاید هم واقعی که از حوصله نگارنده خارج است که در موردش صحبت کند!



نیمه مضحک از فاشیسم را می‌تواند بر روی آن سوار کند. اما در «دست خدا» چه؟ احتمالاً بخش بیانی‌های سخن فیلم‌ساز در جایی است که سعی داشته بگوید که در چه برهه‌ای مارادونا به عنوان شمایل یک انسان ضد امپریالیسم به ناپل می‌آید اما زمانی که او در جام جهانی و در مقابل انگلیس چندین بازیکن از جمله دروازه‌بان را در بیل می‌زند و توپ را وارد دروازه می‌کند، آدم‌هایی هستند که به علت منازعه‌های مضحک، دیدن این لحظه مقدس را از دست می‌دهند! فیلم یک شوخی است و بیش از آنکه در مورد شخصیت اصلی و واکاوی روانی او در دوران نوجوانی‌اش باشد، به یک گزارش واقعه می‌ماند و از همینجاست که به لنگ‌زدن فیلم در بحث «خود زیست‌نگار» بودن می‌رسیم. فیلم اساساً در بین اینکه شخصیت‌محور است یا داستان‌محور معلق می‌ماند و در این زمینه تکلیفش با خودش مشخص نیست. در آثار فلینی این مرز بوضوح قابل تشخیص است. مثلاً «هشت و نیم»، «شب‌های کابیریا»، «جولیتای ارواح» و «زندگی شیرین» شخصیت‌محورند و «آمارکورد» و «ساتیریکون» داستان - موقعیت - محور. در اینجا ظاهراً باید با شخصیت سفر کنیم اما بدلیل ایستادن او در جایی جدا از موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرد و از طرفی عدم تناسب او با آدم‌های اطرافش، عملاً سفر ما دچار اختلال است و نسبت ما با سیر تحولات شخصیت دائماً در حال قطع و وصل. به سکانس بیمارستان، جایی که قرار است خبر هولناک مرگ والدین به دو برادر داده شود، توجه کنید. لحظاتی که می‌توانست بی‌نهایت کوبنده باشد، چقدر خنثی و ادایی اجرا می‌شود! برآستی نوجوان فیلم چه بحرانی را پیش از این اتفاق با خود حمل می‌کرده که پس از آن بخواهد تغییری در آن ایجاد شود؟ فیلم و تمام آدم‌هایش همچون رودی آرام همراه با جریان ثابت می‌آیند و می‌روند؛ بدون آنکه جوش و خروشی ایجاد کنند. حتی دوربین هم نسبت مشخص و زاویه دید معینی برای شخصیت‌های احتمالاً کلیدی‌اش قائل نیست، در نتیجه، جریان‌های اصلی و فرعی فیلم درهم است و کل منسجمی را نمی‌سازد.

از تمام مواردی که ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی الکن بودن سخن فیلم‌ساز در واپسین

در آثار فلینی عناصر عقلانی و عرفان مذهبی با نگرش رئالیستی به زمان با یکدیگر درهم می‌آمیزند و پدیده‌های آن از دیدگاه فردی روانی نگریسته می‌شود. جاده‌ای متروک، میدانی خلوت و ساحلی آرام در سینمای فلینی که عمدتاً با مایه‌های مشابه واپسین اثر سورنتینو کار می‌کند، کیفیت عرفانی می‌یابد و به تبع آن، پیوستن به جمع و تشکیل کارناوال به نوعی «گریز عرفانی» بدل می‌گردد. اما در «دست خدا» خبری از این گریزگاه‌های مبتکرانه نیست. فیلم سطحی‌تر از آن است که بتوان در موردش چنین تحلیل‌هایی را بکار برد

کلی (stock) فراهم است اما مشکل اینجاست که خروجی توانمند و قابل دفاعی وجود ندارد تا بتوان نتیجه‌ای از آن گرفت و به همین علت هم هست که عمده گره گشایی‌های داستان درحالی‌که اصلاً گره افکنی‌ای وجود نداشته به زور و اجبار در پایان آن انجام می‌گیرد. دختری که بالاخره از اتاق خارج می‌شود، درحالی‌که اصلاً معلوم نیست کجای این ماجراست و پسرپچه‌ای که باید در ایستگاه قطار دیده شود. حال آنکه هر دوی این موارد نهالشان پیش از آنکه به موقع آبیاری شود، خشکیده است و تقریباً از نیمه فیلم بدست فراموشی سپرده شده است. و درست به همین علت است که موتیف آب و شنا که در جای‌جای فیلم، سورنتینو با وسواس سعی در پردازش آن دارد، بی‌اثر است. در آثار فلینی عناصر عقلانی و عرفان مذهبی با نگرش رئالیستی به زمان با یکدیگر درهم می‌آمیزند و پدیده‌های آن از دیدگاه فردی-روانی نگریسته می‌شود. جاده‌ای متروک، میدانی خلوت و ساحلی آرام در سینمای فلینی که عمدتاً با مایه‌های مشابه واپسین اثر سورنتینو کار می‌کند، کیفیت عرفانی می‌یابد و به تبع آن، پیوستن به جمع و تشکیل کارناوال به نوعی «گریز عرفانی» بدل می‌گردد. اما در «دست خدا» خبری از این گریزگاه‌های مبتکرانه نیست. فیلم سطحی‌تر از آن است که بتوان در موردش چنین تحلیل‌هایی را بکار برد. اگر فلینی در «آمارکورد» به سیرکی مبتنی بر کمدی انسانی دست می‌یازد به این علت است که توانایی سوارکردن تصویری نیمه نوستالژیک-

اگر قرار باشد دو ساعت و ده دقیقه از بدترین و ضعیف‌ترین لحظات مجموعه فیلم‌های فلینی را جمع‌آوری کرده و کنار هم قرار دهیم، نتیجه‌اش می‌شود واپسین ساخته «پائولو سورنتینو»، یعنی «دست خدا».

اثری هیپوتی، ناچیز و سخت بی‌مایه. باورنکردنی است که سازنده فیلم باشکوهی چون «زیبایی بزرگ» و اثر پر دغدغه‌ای چون «جوانی» به چنین فیلمی رسیده باشد. «دست خدا» صرفاً اثری است توریستی که می‌توان از چند لانگ‌شاتش برای تثبیت زیبایی‌های نوستالژیک ناپل در ذهن استفاده کرد. مسئله مارادونا و آمدن پرسروصدایش به ناپلی هم بطور مشخص بزکی است بر بدن نحیف، بی‌جان و بد فرم فیلم. اثر نه به سبکی متعهد است، نه به دوره‌ای و نه حتی به گذشته خود فیلم‌ساز و نتیجه‌اش می‌شود فیلمی بی‌هویت که براحتی می‌توان آن را در قعر کارنامه فیلم‌سازی سورنتینو قرار داد و به زودی هم فراموشش کرد. اگر روزی در «ایل دیوو» (۲۰۰۸) تبیین کردن شخصیتی پارادوکسیکال در سیاست ایتالیا مسئله بود، اگر روزی در «اینجا باید همانجا باشد» (۲۰۱۱) به تلیفیک نقش تاریخ و هویت امروز بشری می‌پرداخت، اگر در «زیبایی بزرگ» (۲۰۱۳) کارناوالش را برای مواجهه‌ای عمیق با مفهوم آگزیستانسیالیسم و پوچ‌گرایی فلسفی برپا می‌کرد و در نهایت، اگر در فیلم بی‌نهایت خویش، «جوانی» (۲۰۱۵) به پاپ‌آرت انتقاد می‌کند؛ امروز و اینجا در «دست خدا» چه می‌کند؟ و این «چه» در اینجا بسیار مهم است؛ چرا که اثر در همینجاست که درمانده می‌نماید و اصلاً به تحلیل «چگونه» نمی‌رسد. و این درحالی‌ست که اثر می‌خواهد تحت لوای پرزرق‌وبرقش و از دل شکل روایت دوارش ما را به دام تحلیل فرم بیندازد. درینغ از آنکه ما پیش‌تر فیلم‌های قبلی فیلم‌ساز را دیده‌ایم و از توانایی بالقوه‌اش آگاهیم. در نتیجه فهمیده‌ایم که در اینجا به علت خالی بودن دستاوردش از مایه‌های مناسب برای پرداخت و به صرف بازخوانی دوره‌ای از زیست احتمالاً خودش در ناپل و یادآوری آن روزگار است که بی‌جهت بازی راه می‌اندازد تا حواسمان را از ضعف‌ها پرت کند و به نحوی ما را محو تصاویر کند.

کلیت اثر بر تصادم دو عنصر «معمای هویت» و «خود زیست‌نگاری» استوار است. اولی مربوط است به درون‌مایه و ویژگی‌های ظاهراً استعلاعی فیلم و دومی وجهه بیرونی اثر که ظاهراً برمی‌گردد به دوران نوجوانی خود فیلم‌ساز و دغدغه‌ها و شرایطش. اما فیلم در کشاکش این دو عنصر از دست می‌رود و رشته متصل بین این دو که قرار است فرم بر روی آن بنا شود از هم می‌گسلد. معمای هویت در چنین آثاری که شاکله آن بر پایه‌ی اتمسفر است از دل فضا ریشه می‌گیرد. اما در این فیلم فضا همانطور که پیش‌تر هم گفته شد به ابژه‌ای صرفاً توریستی و نمایشی بدل می‌گردد که شاید بتوان چند تا از نماهای آن را هم روی کارت‌پستال چاپ کرد و به فروش رساند و یا قاب گرفت و به دیوار اتاق زد تا هزارگاهی با نگاه کردن به آن‌ها به یاد ناپل افتاد! دلیل آنکه فضا با وجود تلاش فیلم‌ساز اینچنین تپی از کشمکش می‌شود، عدم کنترل فیلم‌ساز است بر جریان سیال رفت و آمد آدم‌ها. نسبت آدم‌های فیلم در اکثر اوقات صرفاً در دیالوگ تعیین می‌شود نه در میزانش و هنگامی که دسته‌های مختلف شکل می‌گیرند، مثلاً خانواده چهارنفره اصلی فیلم، هر دسته با دسته یا گروهی دیگر نمی‌تواند ارتباط منطقی خلق کند، که این خود معلول موقعیت‌های گسسته و بی‌معنای فیلم است. شخصیت اصلی فیلم یعنی همان نوجوان، مدام به مکان‌های مختلف پرتاب می‌شود بی‌آنکه اساساً منطقی در ترتیب این جایگشت‌ها وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، جریان‌های ورودی برای شکل‌گیری یک حالت

مهدی باقری، بازیگر نقش مجید در «قصه‌های مجید» با پایدی از مرحوم کیومرث پوراحمد و همکاری اش با این کارگردان فقید گفت: وقتی آقای پوراحمد با تلخی از میان ما رفت من اصلا حال خوبی برای گفت‌وگو و جواب دادن تلفنم نداشتم. تا همین چند وقت پیش هم حال بد بود و هنوز هم با وجود اینکه یک سال از درگذشتن گذشته باور نمی‌کنم. روزهای تلخی داشتم. من مرتب با آقای پوراحمد در ارتباط بودم چه ایشان می‌آمدند به اصفهان چه من به تهران می‌رفتم. هنوز هم با خانواده‌شان در ارتباطم. متأسفانه اتفاقاً آنقدر ناگهانی و شوکه‌کننده بود که من واقعا هنوز هم اندوگین هستم. روحشان شاد باشد.

# ناخودآگاه جمعی و سینما



دستور زبان نیمه اول پر از اغراق است. اغراق‌هایی که ساده‌لوحانه است اگر بخواهیم آن‌ها را پای تفاوت فرهنگی بگذاریم.

از صحنه آفتاب‌گرفتن خاله پاتریزیا در میان اقوام تا اغراق دختری که با لباس شب قرمز آمده تا نزد فلینی تست بازیگری بدهد و اغراق مردمی که در خیابان مارادونا را دیده‌اند و مثل فیلم‌های روی اندرسون در قاب به همراه خریدهای دستشان خشک شده‌اند! انگار نیمه اول را روی اندرسون ساخته و نیمه دوم را آندری زویاگیتسوف. یعنی دو سبک متفاوت نه دو لحن متفاوت. یکی سوئدی هست و آدم‌هایش را همچون حکومت سوئد در لانگ‌شات و هم ارزش می‌داند و دیگری روس است و تمایلش به نزدیک شدن به شخصیت‌های رنج‌کشیده در قاب‌هایی مایخولیایی و در بستر طبیعت وحشی است.

اما اغراقی که نیمه اول و دوم نمی‌شناسد، وجود خواهر فابیتو است که چون همیشه در دستشویی است، او را تا پایان فیلم نمی‌بینیم! این تصمیم سورنتینو در روایت به ما تفاوت ادبیات و سینما را یادآوری می‌کند. بدین‌منظور که اگر در یک داستان کوتاه یا رمان راوی بگوید: «از خواهرم چیزی به یاد ندارم چون او همیشه در دستشویی بود»؛ ما به‌عنوان خواننده خواهری را تصور می‌کنیم که احتمالا در لحظه‌های مهم حضور نداشته اما می‌توانیم کلیت یک خانواده را تصویرسازی کنیم. ولی وقتی عدم حضور خواهر در سینما با عدم حضور فیزیکی‌اش در مقابل دوربین تصویر می‌شود دیگر خواهر عضوی از جهان فیلم نیست. او فقط عنصری مزاحم برای خنده است. پس هر اشاره‌ای به خواهری که هم موقع سوختن پدر و مادرش و هم هنگام خاکسپاری و... در دستشویی است تنها باعث می‌شود ما بجای غرق شدن در فیلم به یاد بیاوریم که این فقط یک فیلم است! اینگونه تصویرکردن خواهر تنها زمانی توجیه داشت که راوی بصورت پراکنده و از حال به گذشته فیلم را روایت می‌کرد. در آن صورت این فرضیه وجود داشت که راوی خواهرش را که همیشه در دستشویی بوده است، در تصمیم‌گیری‌های مهم به یاد نمی‌آورد، اما راوی این فیلم یک راوی پیش‌رونده در زمان حال است؛ پس وقتی حتی هنگام تصمیم برای مهاجرت هم، برادرها هیچ حرفی راجع به خواهرشان نمی‌زنند، یعنی عملا خواهری در جهان این داستان وجود ندارد و فقط خرده‌شخصیتی غایب است که برای گرفتن خنده طراحی شده است. این تصمیم ضربه مهلکی به باورپذیری همه‌چیز زده است.

عنصر «اتفاق» هم در فیلم‌نامه، یکی دیگر از سهل‌انگاری‌های اثر است. سهل‌انگاری‌هایی که انگار نقطه مشترک همه فیلم‌های مهم ۲۰۲۱ است. چطور ممکن است فابیتو قاچاقچی‌ای را که یکبار در دریا دیده، دوباره بصورت اتفاقی ملاقات کند؟ یکبار در

دریا دقیقا تعریف وضعیت اوست. پرسیه شب تا صبح او با آنتونیو کاپوتانو -کارگردان ایتالیایی- از نظر نگارنده، نزدیکترین اثر تصویری به آثار سلینجر خصوصا «ناطور دشت» است که در درست‌ترین وضعیت نوری یعنی دم صبح برگزار می‌شود. نوری که آنقدر خیال‌پردازانه است که حتی این حدس بر سر آدم می‌زند که شاید این آبتنی کردن با کاپوتانو یک خیال بوده است. سورنتینو با این فیلم به ما یادآوری کرد که اگر حتی یار باوفای او لوکا بیگاتزی -مدیر فیلم‌برداری آثارش- هم کنارش نباشد باز هم می‌تواند با گرافیک قاب‌هایش ما را مهیوت کند.

اگر بخواهم راجع به نیمه دوم «دست خدا» بگویم باید از آن به‌عنوان یکی از بهترین فیلم‌های چند سال اخیر یاد کنم، اما حیف که هیچ‌کس راجع به نصف یک‌فیلم نظر نمی‌دهد و تاریخ سینما هم هیچ‌وقت فیلمی را از نیمه مورد بررسی قرار نداده است!

«دست خدا» در نیمه اول دچار ضعف‌های غیرقابل چشم‌پوشی است. الگویی در فیلم‌نامه‌نویسی وجود دارد که در آن بوسیله یک حادثه تراژیک، همه خوشی‌ها رنگ می‌بازند. الگویی که یکی از بهترین مثال‌های آن فیلم «درباره‌الی» اصغر فرهادی است. اما آنچه ما در نیمه اول دست خدا می‌بینیم سرخوشی نه، بلکه تظاهر به سرخوشی است یا بهتر بگویم شادمانه زندگی کردن با کاریکاتوری زندگی کردن متفاوت است. تمرکز سورنتینو برای اینکه با لنزهای واید و از زاویه تقریبا روبه‌رو به سوژه‌هایش نگاه کند تا آن‌ها کمی‌تر به چشم بیایند باعث شده حضور کارگردان در در لحظه‌لحظه نیمه اول احساس کنیم این کارنونی‌کردن برای ایجاد حس شوخ‌طبعی است. فیلم آنقدر مبتدل است که دست‌کمی از گذاشتن یک موزیک کمیک روی فیلم ندارد. در واقع آنچه به‌عنوان حس شوخ‌طبعی در فیلم‌هایی مثل «در بروژ» مارتین مک‌دوننا مورد توجه است، این است که کارگردان به ما نمی‌گوید باید به کجای فیلم خندید؛ درواقع، حسی از شوخی در سراسر فیلم تنیده است که نمی‌شود تاروپودش را تشخیص داد اما اگر جایی از فیلم احتیاج به جدی‌بودن باشد فیلم به یکباره تغییر لحن نمی‌دهد و همان شخصیت‌های شوخ هستند که غمگین می‌شوند. اینجا ما همه آدم‌های ریز و درشت قصه بعد مرگ پدر و مادر، شخصیت و خلق و خو عوض می‌کنند و جدی می‌شوند. این یعنی زیست فیلم حقیقی نیست و شخصیت‌ها با نمودار نویسنده خلق و خو عوض کرده‌اند. دقیقا همانطور که کارگردان تصمیم می‌گیرد در نیمه دوم دست از کارگردانی فاصله‌گذارانه که سوژه‌هایش تقریبا روبه‌روی دوربین هستند بردارد. شاید بگویید این تعمد است! خب مشخص است که تعمد است اما آیا جواب داده و موفقیت‌آمیز بوده است؟ از نظر نگارنده این تغییر لهجه روایت نیست بلکه تغییر دستور زبان آن است!

«پائولو سورنتینو» در نهمین فیلم بلندش

آرمان خوانساریان

ناخودآگاه جمعی می‌رود. ناخودآگاه جمعی‌ای که فقط مختص مردم ایتالیا نیست اما در یک داستان ایتالیایی روایت می‌شود و شاید این بیشترین نزدیکی حال‌وهوای فیلم با «آمارکورد» فلینی‌ای باشد که در فیلم به او ادای دین می‌شود.

برای یک ناخودآگاه جمعی فرا وطنی، شاید اسم اسطوره‌ای مثل مارادونا کافی باشد تا هر کسی در هر نقطه از دنیا بتواند با یادآوری خاطراتش با فیلم همذات‌پنداری کند. شاید به‌همین دلیل بود که وکیل مارادونا از «نتفلیکس» بابت استفاده از این اسم که اشاره به گل مشهور مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶ دارد شکایت کرد! این ناخودآگاه، تنها در حد مارادونا و فوتبال باقی نمی‌ماند. نفوذ سینمای دهه‌هشتاد ایتالیا و آمریکا در دل توده مردم و ارجاع به فیلم‌های مهم آن روزها مثل «روزی روزگاری آمریکا»، به کمک مخاطب می‌آید تا از نظر حسی در نقطه مهمی از داستان قرار بگیرد. ترکیب فوتبال و سینما و اولین معشوقی که سال‌ها از ما بزرگتر است همچون معجون می‌ماند تا با آن بتوان یک قصه همذات‌پندارانه درباره دوران بلوغ گفت.

«دست خدا» درباره بلوغ است. بلوغ «فابیتو»، پسر نوجوانی که در دهه هشتاد به‌همراه خانواده سرخوش و شوخ‌طبعش در ناپل زندگی می‌کند. کسی که عاشق فوتبال و مارادونا است و می‌خواهد در آینده فلسفه بخواند اما با مرگ ناگهانی پدر و مادرش بر اثر گاز گرفتگی، مجبور می‌شود پله‌های بلوغ را خشن‌تر از آن چیزی که هست طی کند.

شاید قصه چند خطی فیلم زیادی تلخ باشد، اما سورنتینو با یک کارگردانی همراه با طماینه موفق شده فیلم را از قصه‌ای پر اشک و اندوه به یک فیلم متفکرانه تبدیل کند. کارگردانی او در تلخ‌ترین و مهم‌ترین قسمت فیلم یعنی انتقال خبر مرگ و سوختگی پدر و مادر در بیمارستان هم کاملا خالی از احساس است. بدین‌گونه که فابیتو در دورترین قسمت قابی با عمق میدان زیاد (انتهای راهروی بیمارستان) به‌نحوی قرار می‌گیرد که حتی صورت او هم مشخص نیست و ما فقط دست و پا زدن‌های او را در گوشه کوچکی از قاب می‌بینیم. این دور ایستادن دوربین در مواقع مورد نیاز و فرار از احساساتی‌گرایی باعث می‌شود بجای اینکه برای فابیتو دلسوزی کنیم با او همراه شویم.

داستان‌های نوستالژیک اغلب در خطر قابل حدس بودن قرار می‌گیرند و یکی از نکات مثبت «دست خدا»، ظرافت در عدم به‌دام‌افتادن در کلیشه‌هاست. مثلا خاله پاتریزیا که اساسا فیلم با خرده قصه او و به ستوه آمدن شوهرش از بی‌بند و باری‌اش آغاز می‌شود، به ما یادآوری می‌کند که احتمالا به سنت فیلم‌های اینچینی قرار است اولین رابطه فابیتو باشد اما فیلم کاملا قابل‌باور و عمل می‌کند؛ حتی زمانی که فابیتو به ملاقات او در بیمارستان می‌رود و سعی می‌کند بلغانه به او بگوید که حسی به او دارد هم خبری از نزدیک‌شدن‌هایی که بیشتر در سینما رخ می‌دهد تا واقعیت، نیست! برآستی که چه کسی در آغاز فیلم می‌تواند حدس بزند که اولین رابطه فابیتو که عاشق یکی از زنان زیبای ناپل یعنی پاتریزیا شده، پیرزنی غرغرو و حسود به‌نام «خانم بارونس» است که دست‌کم شصت سال از او بزرگتر است! سکانس تنهایی فابیتو و خانم بارونس که می‌خواهد لطفی به یک تازه‌تیم شده بکند فوق‌العاده است چرا که انگار روح پدر هوس‌باز فابیتو که می‌گفت: «برای اولین بار هیچ چیز را در نظر نگیر و فقط انجامش بده» هم میان آن‌هاست.

اساسا هرچه ویژگی در این فیلم هست مربوط به نیمه دومش یعنی بعد از مرگ پدر و مادر است. یعنی از جایی که پرسه‌های فابیتو برای پیدا کردن خودش آغاز می‌شود؛ مثل سکانس موتورسواری و بعد قایق‌سواری‌اش با تنها دوستش که یک قاچاقچی است. این سکانس دقیقا همان کاری را می‌کند که بوسیله تصویر بایستی بکند. دوربین پر از سکون فیلم به روی موتور می‌رود و همزمان با رهایی فابیتو به حرکت در می‌آید. تاریکی صحنه و نقاط نوری آنسوی

استادیوم و یکبار جلوی در تئاتر و هردو اتفاقا! ممارست سبکی سورنتینو در استفاده از لنز واید باعث شده سکانس‌هایی مثل: سکانس حیاط بیمارستان بعد از شنیدن خبر مرگ پدر و مادر، هدر بروند. این سکانس قرار است بعد از یک تلخی عمیق، با متلک‌گویی دوست برادر فابیتو به پسرپچه عینکی، سرخوشی ایجاد کند، اما بدلیل استفاده نایجا از لنز واید، فاقد چنین اثری است. اغراق لنز واید در عمق میدان، باعث شده فاصله پسرپچه تا جمع فابیتو و دوستان او آنقدر زیاد بنظر برسد که مقوله چشم‌درچشم‌شدن با پسرپچه عینکی منظور نشود. این سکانس تنها زمانی می‌توانست احساسش را انتقال دهد که با لنز نرمال برگزار می‌شد. هدررفتن این سکانس و سکانس‌های دیگری از این دست که بدلیل استفاده از لنز واید ما را از فابیتو دور نگه می‌دارد، دو چیز را به ما یادآوری می‌کند:

یک اینکه هر داستان بیشتر از این که شیفته آثار قبلی کارگردانش باشد، دستور زبان خودش را التماس می‌کند و دو اینکه اگر فیلم‌سازی مثل ترنس مالیک با لنز واید به درون شخصیت‌هایش نزدیک می‌شود در عوض از سایر امکانات ایجاد احساس استفاده کرده و مثلا، با کمک راوی و نریشن، ما را با درونیات شخصیت‌هایش آشنا می‌کند.

این اتفاق‌بودن در فیلم تا جایی پیش می‌رود که یکباره فابیتو به خاله‌اش می‌گوید که می‌خواهد کارگردان سینما شود. درحالی‌که ما هیچ تحولی در او نسبت به سینما نمی‌بینیم. او در جواب کاپوتانو هنگامی که به او می‌گوید: «برای فیلم‌سازی یا باید جیگر داشته باشی یا درد» می‌گوید درد دارد و دردش این است که به او اجازه دیدن جسد پدر و مادرش را ندادند. این دیالوگ فوق‌العاده است اما این مفهوم یعنی ارتباط درد و سینما کاملا از بیرون فیلم به فیلم راه پیدا می‌کند و هیچ مصداقی برای اینکه چه‌شد که فابیتویی که می‌خواست فیلسوف شود، تصمیم به کارگردان شدن گرفت وجود ندارد. تنها سکانس مربوط به این تحول زمانی است که فابیتو در سینما محو صحنه‌ای از فیلم کاپوتانوست که بصورت اتفاقی پشت صحنه‌اش را نیز تماشا کرده بود که در این صورت بیشتر مفهوم تکنیکی و حاشیه‌ای سینما می‌تواند برای فابیتو جذاب باشد تا مفهوم تخلیه درد در سینما! فابیتو در فیلم درباره عشقش به سینما هیچ‌کاری نمی‌کند، بلکه فقط راجع به آن حرف می‌زند. اگر چرخش علاقه او را از فوتبال به سینما در نظر بگیریم، بیشتر متوجه می‌شویم که همان اندازه که سورنتینو در تصویرکردن یک عشق فوتبال موفق بوده در تصویرکردن کسی که عاشق سینما شده ناموفق و شعاری عمل کرده است. وقتی او عاشق فوتبال است برای فوتبال هرکاری می‌کند. به استادیوم می‌رود، تمام دغدغه زندگی‌اش انتقال مارادونا از بارسلونا به ناپولی می‌شود، به مدرسه فوتبال بازی کردن بچه‌ها را می‌بیند، به محل تمرین مارادونا می‌رود و... اما چه سکانشی برای علاقه‌ای که دست آخر او را به رم -یعنی سینما- می‌کشاند تعریف شده است؟ فقط خیرگی به پرده سینما؟! درصورتی‌که شاید چیز کوچکی مثل تماشای چندباره «روزی روزگاری در آمریکا» می‌توانست ترجمان تصویری مناسب‌تری برای جوش‌وخروش فابیتو نسبت به سینما باشد.

با همه این‌ها نمی‌توانم براحتم بگویم که «دست خدا» را دوست ندارم و هیچ فیلمی را بخاطر ندارم که شیفته تک‌تک سکانس‌های نیمه دومش باشم، اما نیمه اول همان فیلم برایم یک فیلم متظارانه باشد. سورنتینو در مصاحبه با ویرایتی اعلام کرده بود که فکر می‌کرده این فیلم شبیه به سایر فیلم‌هایی که پیش‌تر ساخته می‌شود، اما از نظر نگارنده روحی یگانه در فیلم وجود دارد که حتی اجازه می‌دهد بعضی از خطاهایش را بخشید. راه دیگری هم برای بخشش نقاط ضعف فیلم وجود دارد که خواستم آن را انتهای نوشته‌ام بگویم تا فیلم را با مسائل فرامتنی تحلیل نکنیم. نکته این است که دست خدا، که خود سورنتینو آن را شخصی‌ترین فیلم کارنامه‌اش می‌داند، براساس زندگی واقعی خودش و ماجرای ازدست‌دادن پدر و مادرش بر اثر گازگرفتگی در نوجوانی ساخته شده است!



دپارتمان بین الملل فدراسیون توضیحاتی در خصوص نامه کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) ارائه کرد. دپارتمان بین الملل فدراسیون اعلام کرد: با توجه به نامه ارسالی از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا درباره پرونده مطروحه در دادگستری کرمان، روند پیگیری موضوعات مرتبط در بستر قضایی در نهادهای ذیربط به اطلاع AFC رسید. کنفدراسیون فوتبال آسیا با ارسال نامه‌ای به فدراسیون با نام بردن از دو فرد متهم فساد در فوتبال، خواهان توضیح در این باره شده است.

«دنیای سوادار» از حواشی فوتبال ایران و جهان می‌گوید؛

## از پلی آف دشوار آسیا تا کری خوانی گزینه‌ی پرسپولیس

طلایی‌پوشان اصفهانی و پیوستن به یکی از دو تیم ملوان بندرانزلی یا فجرشهبیدسپاسی شیراز را ندارد. تغییر و تحولی که شاید به علت تفاوت‌های بزرگ باشگاه‌های ایران، نورافکن را در مسیر حرفه‌ای خود دچار چالش نماید. نورافکن که جام جهانی را به خاطر مصدومیت از دست داده بود، سرسختانه در صدد اثبات شایستگی‌های خود بوده و باید دید سرنوشت این بازیکن در فصل آتی چگونه خواهد شد.

### داستان پپ

پپ گواردیولا از مربیان ایده‌پرداز فوتبال جهان است. این مربی همچون سایر مربیان دچار بحران‌های بزرگ و کوچکی شده است. در مورد پپ گفته شده است: با وجود تمایل مدیران باشگاه منجسترسیتی درخصوص تمدید قرارداد با او، پپ قصد دارد در پایان فصل بعد منجسترسیتی را ترک کند. با این حال گواردیولا در صدد این است که در فصل آینده منجسترسیتی را قوی‌تر از گذشته کرده و مدعی هر سه جام ممکن در انگلستان و اروپا باشد. از طرفی هرچند مدیران منجسترسیتی از داشتن گواردیولا بسیار خوشحال هستند و می‌خواهند حضور او را تمدید کنند، اما اخبار اخیر در مورد مربی اسپانیایی و همچنین دیدن جدایی یورگن کلوپ از لیورپول آن‌ها را نگران کرده است.

### کری بغداد

بغداد بونجاح که سابقه گلزنی به سرخابی‌های پایتخت را در کارنامه دارد، گزینه اصلی سرمربی پرسپولیس در فصل نقل و انتقالات تابستانی است. اما ظاهراً او تمایلی برای حضور در لیگ ایران ندارد. با این حال بونجاح در پاسخ به پرسش خبرنگاران درخصوص بهترین گلش گفته است: من بیش از دویست و ده گل به ثمر رسانده‌ام اما به نظرم گل من به استقلال در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۱۸ بهترین گل بود. اظهار نظر جالبی که ذهنیت



هواداران پرسپولیس را در خصوص حضور این بازیکن در جمع سرخپوشان ایران به خود مشغول کرده است.



### آخرین بازی طارمی در پرتغال

مهدی طارمی را باید در فصل آتی لیگ فوتبال، در سری آ ایتالیا ببینیم. با این حال آخرین بازی طارمی برای پورتو با حواشی همراه بود؛ ستاره ایرانی در آخرین بازی با پیراهن پورتو پیش از پیوستن به اینترمیلان، به‌عنوان یار جانشین در شروع نیمه دوم مقابل اسپورتینگ لیسبون به زمین آمد و در شرایطی که فینال جام حذفی پرتغال با تساوی یک بر یک در پایان نود دقیقه به پایان رسید، توانست در وقت اضافه اول گل قهرمانی تیمش را از روی نقطه پنالتی بزند و خداحافظی با شکوهی با هوادارانش داشته باشد و خوشحالی‌های متعددی هم انجام بدهد. حضور طارمی در جشن قهرمانی هواداران پورتو و نشان دادن هیس به منتقدان، آخرین حضور او را در پرتغال تحت الشعاع قرار داده بود.

### نورافکن و خدمت سربازی

با تصویب قانون جدید خدمت مقدس سربازی بسیاری از بازیکنان مطرح فوتبال در حالی که در تیم‌های خود تبدیل به مهره‌های انکارناپذیر شده‌اند، باید راهی باشگاه‌های نظامی بشوند. در همین راستا شنیده شده است؛ امید نورافکن بازیکن بیست و هفت ساله تیم فوتبال سپاهان اصفهان در پایان فصل جاری راهی جز جدایی از اردوی

تقریباً مناسبی که می‌تواند به صعود آسان ملی‌پوشان منجر شده و شرایط را برای آنان در مرحله حذفی هموار سازد تا به قهرمانی امیدوار باشند. لازم به ذکر است برزیل با پنج قهرمانی و اسپانیا با دو قهرمانی، پرافتخارترین تیم‌های جام جهانی به شمار می‌روند.

### پلی آف دشوار آسیا

قهرمان جام حذفی ایران که از بین چهار تیم گل‌گهر سیرجان، مس رفسنجان، سپاهان اصفهان و آلمینیوم اراک معرفی خواهد شد، شرایط دشواری را در پلی آف لیگ نخبگان آسیا خواهد داشت. در خبرها آمده است: شباب الاهلی امارات باید در دور پلی آف، نخستین بازی را با قهرمان جام حذفی ایران برگزار کند. البته هنوز سای AFC به صورت رسمی ساز و کار مرحله مقدماتی را اعلام نکرده ولی در برخی از رسانه‌ها اعلام شده که نماینده ایران میزبان دیدار نخست پلی آف خواهد بود. سپس در صورتی که نماینده ایران بتواند از سد شباب الاهلی امارات عبور کند، آنگاه باید در قطر به مصاف الغرافه برود که رتبه سوم لیگ ستارگان قطر را از آن خود کرده است. تیم برنده این مسابقه نیز به عنوان سهمیه پایانی و دوازدهم غرب آسیا، راهی دور گروهی می‌شود.

التهاب انتهای لیگ در تمام کشورهای صاحب



فوتبال به اوج خود رسیده است. تعدادی از تیم‌ها به قهرمانی رسیدند. تعدادی دیگر در آستانه قهرمانی و یا سقوط هستند و اکثر باشگاه‌ها نیز در تدارک نقل و انتقالات تابستانی هستند تا فصل آتی فوتبال را با کیفیتی بهتر آغاز کنند. این التهاب در فوتبال ایران به خاطر لایه‌های آماتوری موجود بیشتر از دیگر کشورهاست و خصوصیات منحصر به فردی را داراست.

### قسم‌های آخر لیگ

حساسیت قهرمانی در هفته‌های انتهایی لیگ برتر فوتبال ایران باعث شده است تا طرفداران سرخابی از هر طیف و شغلی در صفحات مجازی خود متوسل به قسم‌هایی بشوند که درنوع خود جالب است. مربیانی چون غلامرضا عنایتی، سعید دقیقی، ساکت الهامی و محرم نوید کیا از این منظر در راس اخبار قرار گرفته‌اند. جالب است که این جریان گاهی به برنامه‌های تلویزیونی نیز کشیده شده است. اوضاع و احوالی که با روح جوانمردی موجود در فوتبال مغایرت دارد و به جرات باید گفت: هیچ مربی عاقلی اعتبار و آینده خود را فدای قهرمانی و یا عدم قهرمانی تیم دیگری نخواهد کرد. آنچه در خصوص شرایط انتهایی فصل قابل ذکر است اینکه انگیزه‌ها در نزد بازیکنان و مربیان با توجه به شرایطی که دارند متفاوت بوده و نتایج بدست آمده بسته به آن تغییراتی خواهد داشت. اما انگیزه بزرگ تمام مربیان حاضر در لیگ، اتمام آن به بهترین نحو بوده و طرح موضوعات خارج از قاعده صرفاً اوضاع را متشنج خواهد کرد.

### افول اخلاق

به جرات باید گفت؛ اخلاق در فوتبال ایران رو به افول است. شاید این مسئله حاصل رفتارهای آماتوری باشگاه‌ها باشد. فقدان تخصص نیز در تشدید آن تاثیرگذار است. به تعبیری گاهی احساس می‌شود رسیدن به قهرمانی مهم‌تر از پایبندی به اخلاق بوده و برای رسیدن به آن به هر ریسمانی چنگ زده می‌شود. در این شرایط کمتر دیده شده است که مدیران باشگاه‌ها با بد اخلاقی‌های هواداران خود مبارزه کنند و پاسخ بی‌اخلاقی‌های یکدیگر را با رعایت اصول حرفه‌ای بدهند. اینجاست که ورزشگاه‌ها از کنترل‌های مربوط به اخلاقیات بیرون آمده و هر حرکتی در زمین بازی از طرف بازیکن و عوامل بازی با انتقادات تند و پرتاب بطری و باران فحاشی هواداران همراه می‌شود.

### قرعه مناسب فوتسال ایران

فوتسال ایران برخلاف فوتبال همواره شرایط مناسب‌تری داشته و حداقل در آسیا مدعی بی چون و چرای قهرمانی است. با این حال مسابقات جام جهانی فوتسال قرعه‌کشی شد و ملی‌پوشان فوتسال، در گروه ششم رقابت‌ها با تیم‌های ونزوئلا، فرانسه و گواتمالاهم‌گروه شدند. قرعه

### «بلوری زاده»:

## به دنبال انتقام از هند هستیم

سرمربی تیم ملی والیبالی ایران پس از این دیدار اظهار داشت: در ورزش و والیبالی هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. متأسفانه الهه پورصالح و درسا فلاح در نیمه‌های این دیدار دچار مصدومیت شدند و دیگر آن‌ها را در اختیار نداشتیم. البته هر دو نفر از دیدار قبلی با استرالیا احساس درد داشتند. الهه در ناحیه زانو و درسا از ناحیه کمر دچار آسیب دیدگی شدند.

بلوری زاده در خصوص نمایش تیمش برابر هنگ‌کنگ عنوان کرد: شرایط آب و هوای فیلیپین و بارانی بودن دو روز اخیر، بازیکنانمان را تحت تاثیر قرار داد و امروز بازیکنانمان سنگین حرکت می‌کردند، البته ساعت این دیدار نیز خوب نبود اما با همه این‌ها توانستیم بازی نسبتاً قابل قبولی را نشان دهیم البته که هنوز هم می‌گوییم با آنچه که باید اتفاق بیافتد و با سطح اول آسیا فاصله داریم. وی درخصوص نقاط ضعف و وقت تیم هنگ‌کنگ خاطرنشان کرد به بازیکنان گفتیم که هنگ‌کنگ را یک چین کوچک تصور کنید، با توجه به اینکه بازیکنان هنگ‌کنگ از نظر فیزیکی از بازیکنانمان کوتاه‌تر هستند، سبک



سرمربی تیم ملی والیبالی زنان ایران گفت: بازی نسبتاً قابل قبولی مقابل هنگ‌کنگ ارائه کردیم و اگر خطاهای فردی بازیکنان ایران کمتر بود، نتیجه بهتری هم می‌گرفتیم. تیم ملی والیبالی زنان ایران روز گذشته در مرحله حذفی سومین دوره چلنج‌کاپ زنان آسیا به مصاف هنگ‌کنگ رفت و به برتری سه بر یک دست یافت.

نمایش و مدل توپ گیری آن‌ها در والیبالی ایران اتفاق نمی‌افتد و فرصت خوبی بود تا با این مدل اسپیک‌ها آشنا شویم. در مجموع معتقدم که اگر خطاهای فردی بازیکنانمان کمتر بود می‌توانستیم نتیجه بهتری بگیریم. سرمربی تیم ملی والیبالی زنان با اشاره به اتفاقات بازی با استرالیا، گفت: متأسفانه در مسابقه امروز جسارت لازم را پیدا نکردیم تا همه بازیکنان را به کار بگیریم چون نگران تکرار اتفاقات بازی با استرالیا بودیم تا رقابت از کنترل مان خارج نشود اما جا دارد به برخی از شاگردانمان مانند ریحانه کریمی، آیتک سلامت و محدثه مشتاقی که دیر به تیم اضافه شدند، تبریک ویژه بگوییم. آن‌ها خیلی خوب در تیم جا افتادند و خیلی جاها بار تیم را به دوش کشیدند و خودشان هم خیلی پیشرفت کردند که برای کادرفنی جای خوشحالی دارد. برخی بازیکنان جوان مثل هدیه طالعی که سهمش در سوپرلیگ زنان ایران خیلی کم بود و در دو دیدار آخر به او فرصت رسید، خیلی جسور ظاهر شد، دینا رشیدی که در شرایط بحرانی وارد زمین شد خیلی خوب توانست اوضاع را کنترل کند و به این دو و همه بازیکنانمان

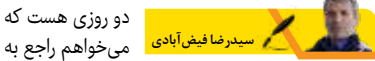
تبریک می‌گوییم. بلوری زاده ادامه داد: تعدادی از بازیکنانمان هم مانند نگار هاشمی و درسا فلاح که در بین بازیکنان زیر ۱۸ سال و زیر ۲۰ سال باتجربه‌تر هستند، همیشه به آن‌ها می‌توان به عنوان تکیه‌گاه نگاه کرد. امیدوارم در بازی فردا بتوانیم از تمامی بازیکنانمان استفاده کنیم. فکر می‌کنم دیدار مقابل هند رقابت جذابی باشد و برای ما جنبه انتقامی هم دارد و باید انتقام شکست در مرحله مقدماتی را بگیریم. البته که دیدار سختی است زیرا تیم ملی هند از تیم ایران باتجربه‌تر است و پاسور آن‌ها کیفیت خوبی دارد اما تلاش می‌کنیم تا از ضعف این تیم در توپ گیری استفاده کنیم. سرمربی تیم ملی والیبالی ایران درخصوص وضعیت مصدومان، گفت: درسا فلاح به بیمارستان منتقل شده است اما وضعیت الهه پورصالح بهتر است. نمی‌خواهیم بخاطر رقابت‌ها هیچ بازیکنی آسیب ببیند و باید منتظر نظر پزشک تیم ملی باشیم تا درمان بازیکنان را در هتل شروع کنیم و ببینیم چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود.



**دیدگاه**

اگر ادعای نكونام درست باشد...

**سقوط پرسپولیس  
به لیگ دو قطعی است!**



دو روزی هست که می‌خواهم راجع به بازی‌های پرسپولیس و استقلال با رقبا خود در هفته ۲۸ بنویسم اما با خود گفتم شاید احساسات بر منطق غلبه کند و حق مطلب را بجا نیاورم؛ اما امروز با کنار هم گذاشتن بازی‌های همزمان استقلال و پرسپولیس و واکنش‌های کادر فنی استقلال به این نتیجه رسیدم که جواد نکونام و مهدی هاشمی نسب قبل از آنکه خود را در رقم خوردن مساوی مقابل نساجی مقصر بدانند هر جور که شده می‌خواهند عوامل بیرونی را در نتیجه بازی پرسپولیس و استقلال خوزستان دخیل بدانند.

در فضای مجازی برخی هواداران استقلال را دیدم که خیلی منطقی و زیبا جواب ادعاهای کادر فنی استقلال را داده اند. یکی از این هواداران خیلی متعصب نوشته: بر فرض که تمام عوامل دست به دست هم دادند تا پرسپولیس بازی سه بر صفر باخت را تبدیل به برد ۴ بر ۳ کند. اصلا داوران توپ را با دست انداختند درون دروازه استقلال خوزستان، بدتر از این که نداریم؛ آقای نکونام چرا تو از تیم خودت غافل شدی و یک گل به نساجی نزدی؟ تا قبل از هفته ۲۸ عنان قهرمانی دست استقلال بود و می‌دانست که باید تمام بازی‌ها را برد و گرنه هر اتفاقی ممکن است رقم بخورد. پرسپولیس فصل گذشته باید ۷ بازی را می‌برد تا اگر رقبا یعنی سپاهان و استقلال امتیازی از دست دادند قهرمان شود.

نتیجه اش را هم دید. اگر پرسپولیس زانوی غم بغل می‌کرد و برای داوران بازی‌های سپاهان و استقلال بیانی می‌نوشت سرنوشت حال حاضر استقلال را داشت ولی جنگید و اراده کرد و تلاش کرد و نهایتاً در همین هفته ۲۸ بود که سپاهان دقیقاً پایانی گل مساوی را از ملوان خورد و استقلال هم امتیاز داد تا پرسپولیس مزد زحماتش را بگیرد. متأسفانه نکونام اینگونه القا می‌کند که دست‌های خارجی نمی‌خواهند تیم او یا به قول خودش تیم من (!) قهرمان شود. همین حالا هم دو هفته باقی مانده و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. هیچ تضمینی هنوز برای قهرمانی پرسپولیس یا استقلال وجود ندارد. اما اینکه نکونام زمین و زمان را بهم ببافد و به همه اتهام بزند تا خودش را مبری کند دور از شأن مربی باشگاه بزرگی مثل استقلال است. بخصوص که ادعا کرده بین دو نیمه یکی از اعضای پرسپولیس به رختکن داوران رفته و حتماً کمیته انضباطی و کمیته اخلاق و حتی حراست فدراسیون فوتبال باید به این اتهام جواد نکونام ورود کنند تا اگر چنین اتفاقی افتاده و اثبات شد تمام ماجرا تغییر می‌کند و خیلی‌ها باید پاسخگو باشند و پرسپولیس با کسر امتیاز و جریمه و حتی سقوط به دسته پایین‌تر محکوم می‌شود و داوران دادگاهی شده و محروم خواهند شد. در هر حال بنظر می‌رسد که این جوسازی‌ها برای تأثیر گذاری روی داوران در دو هفته پایانی است.

آقای تاج، آقایان سازمان لیگ... دو هفته پایانی خیلی حساس است. در شرافت داوران هیچ شکی نداریم ولی اشتباهات غیر قابل اجتناب است اما از هم اکنون مدیران و کادر فنی استقلال و پرسپولیس تمرین کنند که هر تیم قهرمان شد احترام بگذارند و به رقیب تبریک بگویند. «حسن روشن» اسطوره آبی‌ها می‌گوید: فردای بعد از شکست ۶ تایی از پرسپولیس، تیمسار خسروانی تاج گلی بزرگ به رسم تبریک به باشگاه پرسپولیس فرستاد و عیده مدیرعامل پرسپولیس هم در ضیافت شامی استقلالی‌ها را دعوت کرد و ما هم رفتیم! آن‌ها چه بزرگان بودند و حالا چه افرادی جای آن بزرگان نشستند... جام را به بها می‌دهند نه بهانه!

**مرد همسرکش در البرز دستگیر شد**

سرهنگ «حکمت اله شجاعی» رئیس پلیس آگاهی البرز- اعلام کرد: مردی که ۲ سال پیش به دلیل اختلاف خانوادگی، همسرش را به قتل رسانده بود در این استان دستگیر شد. وی افزود: پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی در ظاهر به نظر می‌رسید که این خانم اقدام به خودکشی کرده است اما با توجه به تحقیقات میدانی کارآگاهان مشخص شد که متوفی در شب حادثه در حال بحث و درگیری با همسرش بوده است.

**استان‌ها**

از «البرز» چه خبر؟

**رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز، اعلام کرد؛**

**پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصدی بیمارستان کمالشهر**



از زمان سفر خود را به بررسی نیازهای ساکنان کمالشهر اختصاص داد و در این سفر تکمیل شدن این بیمارستان با ۱۰۰ تخت مصوب شد. وی ادامه داد: دانشگاه تمام تلاش و همت خود را به کار گرفته تا این پروژه که اکنون حدود ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد به مرحله راه اندازی و افتتاح برساند و آخرین وضعیت روند این بیمارستان طی نشست‌های تخصصی با دستگاه‌های ذی صلاح به صورت هفتگی رصد و ارزیابی می‌شود. صیادی افزود: زیربنای ساختمان اصلی حدود ۱۱ هزار مترمربع و زیربنای ساختمان کلینیک و ساختمان‌های جنبی هم حدود ۲۱۶۰ مترمربع است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز از ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی بیمارستان کمالشهر خبر داد. به گزارش «دنیای هوادار»، شهرام صیادی رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز گفت: عملیات ساخت بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی شهید عجمیان کمالشهر واقع در جنوب غربی کرج از سال ۱۳۹۶ آغاز شد، اما تا سال ۱۴۰۰ تنها ۵ درصد پیشرفت فیزیکی خود را پشت سر گذاشت و این پروژه به صورت نیمه کاره به دولت سیزدهم رسید که شهید جمه‌پور در سفر فروردین ماه سال ۱۴۰۱ خود به استان البرز از محله‌ها و پروژه‌هایی بازدید کرد که در ادوار گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته بود، شهید آیت الله رئیسی بخشی

**«عمار ایزدیار» از موافقت مدیریت شهری کرج خبر داد؛**

**مساعدت ۱۲۵ میلیاردی برای تکمیل باغ موزه دفاع مقدس**



مقدس به مبلغ ۷۵ میلیارد تومان مازاد بر ۵۰ میلیارد تومان بودجه مصوب سال جاری اقدام و تغییرات در متمم بودجه اعمال شد. سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج اذعان کرد: لایحه فوق در کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر کرج مطرح و منوط به حفظ تعادل بودجه با کاهش ردیف‌های عمرانی با پیشرفت کم یا افزایش درآمد احتمالی، با اکثریت آراء حاضرین در جلسه رسمی به تصویب رسید. ایزدیار، تصویب لایحه شهرداری در خصوص درزگیری و ترمیم باند پرواز و رفع خرابی‌های روسازی پایگاه هوایی، تصویب کمک به سازمان مردم نهاد (NGO) مجمع خیرین سلامت استان البرز، تصویب طرح پیشنهادی اعضای شورای اسلامی شهر کرج در خصوص طرح حق انتفاع و اختصاص اراضی به زنان کار آفرین را از دیگر لوابیح تصویب شده در این جلسه عنوان کرد.

سخنگوی شورای اسلامی شهر کرج از موافقت و تصویب اعضای شورای اسلامی شهر کرج نسبت به مساعدت و کمک ۱۲۵ میلیارد تومانی به تکمیل باغ موزه دفاع مقدس خبر داد. به گزارش «دنیای هوادار»، عمار ایزدیار در پایان یکصد و شصت و ششمین جلسه رسمی شورای اسلامی شهر کرج که با حضور شهردار، مشاوران، مدیران شهری برگزار شد ضمن تسلیت شهادت خادم الرضا، سید الشهدای خدمت، سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهور محبوب و مردمی کشورمان و ۸ نفر از همراهان شهیدش به تشریح مهمترین مصوبات این جلسه پرداخت و اظهارداشت: بررسی لایحه شهرداری در خصوص افزایش ردیف اعتباری پروژه خدمات مهندسی و تکمیل باغ موزه دفاع مقدس (در محل پارک جهان نما) مورد بررسی اعضا قرار گرفت در این راستا مقرر شد با عنایت به لزوم تکمیل مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس و نظر به واگذاری

قطعی و صدور سند مالکیت به نام شهرداری کرج در خصوص زمین‌های ارائه شده پروژه تکمیل مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس نسبت به افزایش اعتبار ردیف عمرانی تحت عنوان پروژه خدمات مهندسی و تکمیل باغ موزه دفاع

**«مدیرعامل باشگاه گیتی‌پسند»:**

**دنبال پیشرفت فوتسال ایران هستیم**



ارزشمندترین جایزه به امیدرضا سرپوشی دروازه بان تیم گیتی‌پسند تعلق یافت. دروازه‌بان تیم هندبال گیتی‌پسند در فصل سی و ششم، درون دروازه تیم گیتیزن‌ها همچون عقابی تیز چنگال با عکس العمل‌های به موقع درخشید و با واکنش‌های استثنایی در هر بازی نقش بسزایی در کسب عنوان سومی گیتی‌پسند داشت. این در شرایطی بود که سرپوشی در هفته ششم دچار پارگی مینیسک گردید و تحت عمل‌جراحی قرار گرفت اما پس از پشت‌سر گذاشتن دوران نقاهت پُرفرتر از قبل به میادین بازی‌های مرحله برگشت پا گذاشت و با تداوم عملکرد بی‌نظیر خود توانست عنوان بهترین بازیکن فصل را از آن خود کند. تیم هندبال گیتی‌پسند در دومین فصل حضور خود در سطح اول لیگ برتر باشگاه‌های مردان کشور فراتر از انتظار ظاهر شد و با میانگین سنی ۲۲ سال و صرف هزینه بسیار کمتر نسبت به رقبای خود با کسب ۱۶ پیروزی، ۲ تساوی و چهار شکست در برابر تیم‌های قدرتمند و بالانشین جدول مقام سوم

ارزشمندترین جایزه به امیدرضا سرپوشی دروازه بان تیم گیتی‌پسند تعلق یافت. دروازه‌بان تیم هندبال گیتی‌پسند در فصل سی و ششم، درون دروازه تیم گیتیزن‌ها همچون عقابی تیز چنگال با عکس العمل‌های به موقع درخشید و با واکنش‌های استثنایی در هر بازی نقش بسزایی در کسب عنوان سومی گیتی‌پسند داشت. این در شرایطی بود که سرپوشی در هفته ششم دچار پارگی مینیسک گردید و تحت عمل‌جراحی قرار گرفت اما پس از پشت‌سر گذاشتن دوران نقاهت پُرفرتر از قبل به میادین بازی‌های مرحله برگشت پا گذاشت و با تداوم عملکرد بی‌نظیر خود توانست عنوان بهترین بازیکن فصل را از آن خود کند. تیم هندبال گیتی‌پسند در دومین فصل حضور خود در سطح اول لیگ برتر باشگاه‌های مردان کشور فراتر از انتظار ظاهر شد و با میانگین سنی ۲۲ سال و صرف هزینه بسیار کمتر نسبت به رقبای خود با کسب ۱۶ پیروزی، ۲ تساوی و چهار شکست در برابر تیم‌های قدرتمند و بالانشین جدول مقام سوم

مراسم اختتامیه سی و ششمین دوره رقابت‌های لیگ برتر هندبال مردان باشگاه‌های کشور، در سالن فدراسیون هندبال برگزار شد و تیم گیتی‌پسند که اینک در ردیف باشگاه‌های برتر کشور در رشته‌های مختلف بویژه والیبال، فوتسال و هندبال فعالیت گسترده‌ای دارد، علاوه بر مدال و جام مقام سوم لیگ برتر، از سوی فدراسیون هندبال نشان بهترین دروازه‌بان را به امیدرضا سرپوشی، دروازه‌بان این تیم به‌عنوان بهترین دروازه‌بان فصل ۱۴۰۲-۱۴۰۳ اهدا کرد. کمیته برگزاری مسابقات فدراسیون هندبال از مدتی پیش اعلام کرده بود، برترین بازیکنان و همچنین پدیده و بازیکن اخلاق سی و ششمین دوره رقابت‌های لیگ برتر هندبال مردان را با بهره‌گیری از رأی مردم و کارشناسان جامعه هندبال معرفی خواهد کرد، که پس از انجام رأی‌گیری، در ابتدای مراسم اختتامیه لیگ برتر هندبال کشور، بهترین‌های هر پست را معرفی نمود که در نهایت

# دستاوردها و اقدامات دولت شهید جمه‌پور در حوزه سلامت

## توسعه سلامت خانواده



اجرای طرح سلامت خانواده و تکمیل طرح پزشک خانواده



اجرای طرح درمان رایگان کودکان زیر ۷ سال



پوشش بیمه درمان ناباروری



بیمه رایگان ۱۲ میلیون نفر از دهک‌های پایین

## توسعه زیرساخت‌های درمانی



بهره‌برداری از ۱۷ خط دارویی جدید



رشد ۳ برابری دستگاه‌های دیالیز



افزایش ناوگان امدادی



افتتاح ۱۰۶ بیمارستان

## اصلاح نظام درمانی



اجرای طرح دارویار برای مقابله با قاچاق دارو



جذب ۱/۲ میلیون گردشگر سلامت



اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری